

# از مجاهدین تا منافقین

(سیر تاریخی سازمان مجاهدین خلق از آغاز تا کنون)



## فهرست مطالب

|    |       |          |
|----|-------|----------|
| ۱۷ | ..... | مقدمه    |
| ۱۹ | ..... | پیشگفتار |

### بخش اول:

|    |       |   |
|----|-------|---|
| ۲۳ | ..... | سازمان از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی |
|----|-------|---|

|    |       |                        |
|----|-------|------------------------|
| ۲۵ | ..... | فصل اول: نقطه‌های آغاز |
|----|-------|------------------------|

|    |       |                                       |
|----|-------|---------------------------------------|
| ۲۵ | ..... | سازمان مجاهدین خلق و نهضت آزادی ایران |
|----|-------|---------------------------------------|

|    |       |                 |
|----|-------|-----------------|
| ۲۹ | ..... | عضوگیری مجاهدین |
|----|-------|-----------------|

|    |       |                          |
|----|-------|--------------------------|
| ۳۲ | ..... | برنامه‌ی آموزش نظری اعضا |
|----|-------|--------------------------|

|    |       |                      |
|----|-------|----------------------|
| ۳۴ | ..... | اصول تشکیلاتی سازمان |
|----|-------|----------------------|

|    |       |                          |
|----|-------|--------------------------|
| ۳۶ | ..... | برنامه‌ی آموزش عملی اعضا |
|----|-------|--------------------------|

|    |       |                                |
|----|-------|--------------------------------|
| ۳۶ | ..... | جدایی عبدی نیک‌بین؛ اولین چالش |
|----|-------|--------------------------------|

|    |       |                                      |
|----|-------|--------------------------------------|
| ۳۷ | ..... | تشکیل گروه‌های تخصصی؛ آغاز سازماندهی |
|----|-------|--------------------------------------|

|    |       |  |
|----|-------|--|
| ۴۰ | ..... | ارتباط تشکیلاتی با مبارزین حرفه‌ای؛ «سازمان الفتح» |
|----|-------|--|

|    |       |  |
|----|-------|--|
| ۴۱ | ..... | دردسر بزرگ؛ دستگیری اعضا در دبی و ماجرای هواپیماری |
|----|-------|--|

|    |       |                                 |
|----|-------|---------------------------------|
| ۴۲ | ..... | اولین تلاش برای جلب همکاری امام |
|----|-------|---------------------------------|

|    |       |   |
|----|-------|---|
| ۴۵ | ..... | ثمره‌ی همکاری با الفتح؛ سازماندهی نظامی مجاهدین |
|----|-------|---|

|    |       |                    |
|----|-------|--------------------|
| ۴۶ | ..... | تشکیل گروه اطلاعات |
|----|-------|--------------------|

|    |       |                          |
|----|-------|--------------------------|
| ۴۷ | ..... | تولد گروه‌های چریکی ضربت |
|----|-------|--------------------------|

|    |       |   |
|----|-------|---|
| ۴۸ | ..... | ارتباط سازمان با دولت‌ها و سازمان‌های خارجی |
|----|-------|---|

|    |       |                                     |
|----|-------|-------------------------------------|
| ۵۱ | ..... | فصل دوم: چالش‌هایی برای دهه‌ی پنجاه |
|----|-------|-------------------------------------|

- ۵۳ ..... ۱۳۵۰ ضربه‌ی بزرگ شهریور
- ۵۴ ..... رمزگشایی از شاه‌کلید ساواک برای فتح سازمان؛ شاه‌مراد دلفانی
- ۵۶ ..... روایت نابودی سازمان در ابتدای راه
- ۵۹ ..... عکس‌العمل‌ها در قبال دستگیری مجاهدین
- ۶۲ ..... نام‌گذاری سازمان در زندان
- ۶۳ ..... ساماندهی اعضای ازهم‌گسیخته؛ اولویت اول سازمان
- ۶۴ ..... طرح خروج از بحران؛ گروه‌گان‌گیری شهرام پهلوی‌نیا
- ۶۵ ..... فرار رضا رضایی؛ تقویت مرکزیت خارج از زندان
- ۶۷ ..... ارتباطات سازمان با سایر گروه‌های مبارز
- ۶۸ ..... ارتباط سازمان با چریک‌های فدایی خلق
- ۶۹ ..... ادغام دو سازمان ضربه‌خورده؛ مجاهدین خلق و حزب‌الله
- ۷۰ ..... خروج از شوک؛ آغاز عملیات مرکزیت دوم
- ۷۱ ..... مرگ بهرام آرام و دستگیری محمد مفیدی
- ۷۲ ..... جذب زنان؛ رویکرد ویژه پس از ضربه‌ی شهریور ۵۰
- ۷۵ ..... فصل سوم: سرنوشتی جدید برای سازمان
- ۷۶ ..... مرگ رضا رضایی؛ اقتدار تقی شهرام در مرکزیت دوم
- ۷۷ ..... قدرت‌گیری شهرام؛ تغییر سازمان‌دهی تشکیلاتی
- ۷۷ ..... دگردیسی عقیدتی تا اعلام تغییر مواضع ایدئولوژیک
- ۸۴ ..... حمله علیه بازرگان در روند تغییر ایدئولوژی
- ۸۶ ..... عکس‌العمل‌ها علیه مارکسیست‌شدن سازمان
- ۹۲ ..... فتوای فقهای در بند علیه مجاهدین کمونیست
- ۹۵ ..... «خانه‌گردی» ساواک؛ ضربه سال ۵۳
- ۹۷ ..... دیکتاتوری شهرام؛ تصفیه‌ی مخالفان و برخورد با معترضان
- ۹۷ ..... ترور جواد سعیدی؛ اولین تصفیه‌ی سازمانی
- ۹۸ ..... قتل و شکنجه مرتضی هودشتیان

- ۹۹ ..... ترور حسن حسنان، مترجم سفارت آمریکا
- ۱۰۰ ..... تصفیه شریف واقفی و صمدیه لباف؛ یکه تازی جناح مارکسیست
- ۱۰۲ ..... تبعید اعضای معترض و خطرناک
- ۱۰۴ ..... حاکمیت شهرام؛ سلطه‌ی تاکتیک‌های پلیسی
- ۱۰۷ ..... فعالیت‌های سازمان در دوره‌ی شهرام
- ۱۰۹ ..... عملیات موفق دوره‌ی حاکمیت شهرام
- ۱۱۱ ..... ترور دو مستشار آمریکایی
- ۱۱۲ ..... قتل ۹ چریک در تپه‌های اوین؛ زنگ خطر برای گروه‌های چریکی
- ۱۱۳ ..... تشکیل بخش مذهبی؛ آخرین سناریوی شهرام برای ماندن
- ۱۱۴ ..... فشار ساواک؛ انحلال موقت تشکیلات
- ۱۱۵ ..... کودتا علیه شهرام؛ انشعاب در سازمان
- ۱۱۸ ..... مرور فعالیت‌های سازمان پس از اعلام مواضع

## بخش دوم:

- ۱۲۳ ..... سازمان از پیروزی انقلاب تا خروج از زندان
- ۱۲۵ ..... فصل اول: پیروزی انقلاب اسلامی و تسلط مرکزیت زندان
- ۱۳۰ ..... عضوگیری و ترمیم بدنه‌ی سازمان
- ۱۳۱ ..... استراتژی عضوگیری و ترمیم تئوریک سازمان
- ۱۳۳ ..... مرکزیت سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- ۱۳۵ ..... اسفند ۵۷؛ اولین اجتماع عمومی سازمان
- ۱۳۵ ..... استراتژی تهیج جوانان و مظلوم‌نمایی توأمان
- ۱۳۷ ..... استراتژی «خط نفوذ»
- ۱۳۹ ..... فرایند تصفیه نفوذی‌ها
- ۱۴۱ ..... ملاقات مجاهدین با امام خمینی
- ۱۴۷ ..... ننگ جاسوسی برای مجاهدین؛ اعدام سعادت

|          |  |
|----------|--|
| ۱۵۳..... | فصل دوم: سرِ ناسازگاری تا شورش ۳۰ خرداد ۱۳۶۰.....              |
| ۱۵۵..... | انتخابات مجلس خیرگان بررسی قانون اساسی.....                    |
| ۱۵۶..... | سازمان و مسئله‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی.....                      |
| ۱۵۷..... | عدم شرکت سازمان در رفراندوم قانون اساسی.....                   |
| ۱۵۷..... | انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران.....                        |
| ۱۶۰..... | انتخابات مجلس شورای اسلامی.....                                |
| ۱۶۵..... | ریزش اعضا در پی اتمام حجت امام.....                            |
| ۱۶۶..... | سازمان و کودتای نوژه.....                                      |
| ۱۶۷..... | سرقت اسناد وزارت امور خارجه.....                               |
| ۱۶۸..... | تحلیل چرایی شورش ۳۰ خرداد ۱۳۶۰.....                            |
| ۱۷۷..... | ماجراجویی سازمان در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰؛ شرح مآووع.....              |
| ۱۹۳..... | استراتژی ترور با شکست در شورش ۳۰ خرداد ۶۰.....                 |
| ۱۹۵..... | فاجعه‌ی ۷ تیر و ۸ شهریور ۱۳۶۰؛ رد پای مشهود سازمان.....        |
| ۱۹۷..... | مهرماه ۶۰؛ تلاش براندازانه دیگر.....                           |
| ۱۹۹..... | حمایت آشکار مهندس بازرگان از شورش و ایجاد ناامنی سازمان.....   |
| ۲۰۱..... | ضربه‌ی بهمن ۶۰؛ کشته‌شدن موسی خیابانی و اشرف ربیعی.....        |
| ۲۰۳..... | طرح «مالک و مستأجر»؛ انزوای کامل سازهان در ایران.....          |
| ۲۰۳..... | عملیات مهندسی؛ شکنجه و قتل سه پاسدار.....                      |
| ۲۰۶..... | ماجرای آقای لاهوتی.....  |
| ۲۱۰..... | نگاهی به عملکرد جوخه‌های ترور در سال‌های ابتدایی دهه‌ی ۶۰..... |

بخش سوم:

|          |  |
|----------|--|
| ۲۱۳..... | سازمان در کنار دشمنان خلق ایران.....                           |
| ۲۱۵..... | فصل اول: وارونگی شعارها؛ رو به آمریکا و غرب تا دامان صدام..... |
| ۲۱۷..... | شورای ملی مقاومت؛ پیدایی تا فرجام.....                         |

- ۲۱۹..... اعضای شورای ملی مقاومت.
- ۲۲۲..... جدایی بنی صدر؛ نقطه‌ی آغاز فروپاشی شورا.
- ۲۲۹..... جدایی متحدین؛ ظهور شورای «مجاهدین خلقی».
- ۲۳۴..... تحمل ناپذیری شورا برابر منتقدین.
- ۲۳۶..... انقلاب‌های ایدئولوژیک؛ بهانه‌ای برای گل‌آلود کردن آب.
- ۲۳۶..... ماجرای ازدواج عجیبه مسعود و مریم.
- ۲۳۷..... ظهور حاکمیت فردی و تسلط فرقه‌ی رجویسم.
- ۲۴۱..... استثمار رده؛ تعمیق انقلاب با سرکوب معترضین.
- ۲۴۲..... مرکزیت در قرق زنان؛ ارتقای زنان یا توجیه جایگاه مریم.
- ۲۴۴..... اخراج مسعود رجوی از فرانسه.
- ۲۴۴..... در دامان حزب بعث عراق؛ تبدیل چریک به ارتشی.
- ۲۵۰..... سازمان مجاهدین؛ جوخه‌های ترور صدام حسین در ایران.
- ۲۵۳..... فصل دوم: تبدیل شدن سازمان به فرقه‌ی تحت سیطره‌ی رجوی.
- ۲۵۵..... انقلابی برای «طلاق»!
- ۲۵۸..... مرحله‌ی چهارم؛ انقلاب علیه فردیت و جنسیت.
- ۲۶۰..... سازمان و مسئله‌ی خانواده.
- ۲۶۳..... اعضا و هواداران سلازمان؛ طیف‌های کنونی.
- ۲۶۵..... بریده‌ها؛ وضعیتی جدید برای خشونت بیشتر.
- ۲۶۹..... تهدید و ارعاب علیه جدانشدگان.
- ۲۷۳..... فصل سوم: سازمان مجاهدین خلق یاور صدام حسین در جنگ تحمیلی.
- ۲۷۵..... تفاهات سازمان در جبهه‌ها.
- ۲۷۷..... در دامان حزب بعث؛ پشت پا زدن به ایران و خلق.
- ۲۸۰..... تشکیل ارتش آزادی‌بخش؛ هنگ مجاهدین در ارتش عراق.
- ۲۸۱..... عملیات آفتاب.
- ۲۸۲..... تلاش برای تحمیل صلح به جمهوری اسلامی.

- ۲۸۳ ..... نوشیدن جام زهر؛ قرارداد صلح ۵۹۸
- ۲۸۴ ..... مرصاد؛ فروغی جاویدان برای جمهوری اسلامی
- ۲۹۳ ..... سازمان پس از ضربه مرصاد

### بخش چهارم:

- ۲۹۷ ..... سازمان و آخرین تحولات
- ۲۹۹ ..... فصل اول: ورود سازمان مجاهدین به جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی
- ۳۰۰ ..... نهاد دیپلماسی در سازمان
- ۳۰۲ ..... طرح ریاست جمهوری مریم
- ۳۰۳ ..... استراتژی «جرقه و جنگ» مسعود تا دیپورت مریم از فرانسه
- ۳۰۵ ..... تأملی در ماجرای جذب «مرضیه» خواننده
- ۲ خرداد ۱۳۷۶؛ نمایش مردم‌سالاری جمهوری اسلامی و بی‌رنگی شعارهای سازمان
- ۳۰۸ ..... فاجعه‌آفرینی سازمان علیه کردها؛ نقطه‌ی آغاز اعلام جهانی تروریست بودن مجاهدین
- ۳۱۰ ..... استیصال سازمان؛ صدور خشونت علیه ایران
- ۳۱۱ ..... انگ «تروریست» بر پیشانی سازمان در صحنه‌ی بین‌الملل
- ۳۱۴ ..... موضع آمریکا در قبال سازمان تروریستی مجاهدین خلق
- ۳۱۴ ..... موضع اروپا در قبال سازمان تروریستی مجاهدین خلق
- ۳۱۸ ..... ایران و موقعیت قضایی منافقتین
- ۳۲۱ ..... منافقتین عامل برقراری فضای بی‌اعتمادی علیه برنامه هسته‌ای ایران
- ۳۲۲ ..... فصل دوم: سقوط صدام حسین و فرجام مجاهدین
- ۳۲۷ ..... پشت کردن به صدام در جنگ با آمریکا؛ به قیمت حفظ اشرف
- ۳۲۸ ..... شوی «عاشورا» برای فراری دادن مسعود رجوی
- ۳۳۲ ..... وضعیت مسعود رجوی
- ۳۳۴

|     |  |
|-----|--|
| ۳۳۷ | ..... اعلام تحت‌الحمایگی سازمان از سوی آمریکا      |
| ۳۳۹ | ..... اشرف در انتظار تصمیم دولت عراق               |
| ۳۴۳ | ..... نتیجه‌گیری                                   |
| ۳۵۵ | ..... ضمائم  |
| ۳۵۷ | ..... ضمیمه ۱: بیوگرافی اعضای ارشد سازمان در تاریخ |
| ۳۵۷ | ..... ابریشمچی، مهدی                               |
| ۳۶۰ | ..... امینی، فاطمه                                 |
| ۳۶۰ | ..... بازرگان، پوران‌دخت                           |
| ۳۶۰ | ..... بازرگانی، بهمن                               |
| ۳۶۱ | ..... بازرگانی، محمد                               |
| ۳۶۱ | ..... باکری، علی                                   |
| ۳۶۲ | ..... بدیع‌زادگان، علی‌اصغر                        |
| ۳۶۲ | ..... پارسایی، مژگان                               |
| ۳۶۳ | ..... تسلیمی، کریم                                 |
| ۳۶۴ | ..... جعفرزاده، علیرضا                             |
| ۳۶۴ | ..... حسینی، صدیقه                                 |
| ۳۶۵ | ..... حق‌شناس، سیدمرتضی (تراب)                     |
| ۳۶۶ | ..... حنیف‌نژاد، محمد                              |
| ۳۶۸ | ..... داوری، عباس                                  |
| ۳۶۹ | ..... ربیعی، اشرف                                  |
| ۳۷۰ | ..... رجوی، مریم                                   |
| ۳۷۲ | ..... رجوی، مسعود                                  |
| ۳۷۵ | ..... رضایی، احمد                                  |
| ۳۷۵ | ..... رضایی، رضا                                   |



- ۳۷۶ ..... رضایی مهدی
- ۳۷۶ ..... زرکش یزدی، علی
- ۳۷۷ ..... زمردیان لیلا
- ۳۷۷ ..... سعادت‌ی سیدمحمدرضا
- ۳۷۸ ..... سعیدی، جواد
- ۳۷۹ ..... سماواتی، ناصر
- ۳۷۹ ..... سیدالمحدثین
- ۳۷۹ ..... شاهسوندی، سعید
- ۳۸۰ ..... شهرام، محمدتقی
- ۳۸۰ ..... صادق، ناصر
- ۳۸۱ ..... عسکری زاده محمد (محمود)
- ۳۸۱ ..... کرمانشاهی اصل، حسین
- ۳۸۲ ..... گنجه‌ای، جلال
- ۳۸۳ ..... مجابی، سیدشمس‌الدین
- ۳۸۳ ..... محسن، سعید
- ۳۸۴ ..... مشکین فام، عبدالرسول
- ۳۸۴ ..... مصلحتی، فاضل (البصام)
- ۳۸۴ ..... میرزا جعفر علاف، علی
- ۳۸۵ ..... میهن دوست، علی
- ۳۸۵ ..... نیکبین رودسری، عبدالرضا (عبدی)
- ۳۸۶ ..... هودشتیان، مرتضی
- ۳۸۷ ..... ضمیمه ۲: بازخوانی افشاگری عضو سازمان مجاهدین در سال ۱۳۵۹
- ۳۹۰ ..... (۱) استقرار در خوابگاه‌ها
- ۳۹۰ ..... (۲) پیام امام
- ۳۹۱ ..... (۳) دکه‌ها به جای ستادها

- ۴ خط سرخ ..... ۳۹۲
- ۵ پاسداری و حفظ خوابگاهها ..... ۳۹۲
- ۶ جبهه‌ی متحد ضد ارتجاع ..... ۳۹۴
- ۷ و بالاخره ضد انقلاب... ۳ ..... ۳۹۵
- ۸ خروج از جبهه‌ی خلق با شعار مرگ بر منافقین ..... ۳۹۶
- ۹ مراسم ۱۷ شهریور، ۱۹ شهریور و ... ..... ۳۹۷
- ۱۰ محاکمه‌ی سعادت‌ی، ستادهای مقاومت ..... ۳۹۹
- ۱۱ جنگ ..... ۴۰۱
- ۱۲ باز کردن جبهه‌های جدید برای تضعیف ارتجاع ..... ۴۰۷
- ب) گذری بر برخوردهای سیاسی و تشکیلاتی ..... ۴۰۸
- اسناد و تصاویر ..... ۴۳۵
- کتابنامه ..... ۵۲۷
- نمایه ..... ۵۳۷

## مقدمه

سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) نام یک گروه سیاسی - نظامی است که در سال ۱۳۴۴ با هدف سرنگونی رژیم پهلوی تأسیس شد. این سازمان تحت تأثیر سرکوب قیام مردمی ۱۵ خرداد در جریان تدوین استراتژی به مبارزه‌ی مسلحانه رسید و به تدریج با بهره‌گیری از تئوری‌ها و تجارب جریان‌های چپ و مارکسیستی، شیوه‌ی جنگ چریکی شهری را اتخاذ کرد. در سال ۱۳۵۰ بنیان‌گذاران سازمان و به دنبال آن اکثریت کادر آن توسط ساواک دستگیر و اعدام شدند. با اعدام بنیان‌گذاران و تعدادی از کادرهای اصلی، سازمان ضربه‌ی سختی را متحمل شد تا جایی که در آستانه‌ی اضمحلال قرار گرفت.

پس از ضربه‌ی شهریور ۵۰، تمامی نیروهای مذهبی و اصلی سازمان دستگیر شدند و اعضای دستگیر نشده که دارای گرایش‌های جدی به مارکسیسم بودند، هدایت سازمان را به دست گرفتند و همین اعضا رسماً تغییر ایدئولوژی سازمان از اسلام به مارکسیسم را اعلام نمودند. این مسئله باعث تضادهای جدی میان اعضای مسلمان و مارکسیست‌شده‌ی سازمان گردید که در نتیجه به تصفیه و قتل نیروهای مذهبی سازمان توسط اعضای مارکسیست در سازمان منجر گردید. این کشاکش تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از اعضای سازمان از جمله مسعود رجوی از زندان آزاد شدند. در این مقطع سازمان روش منافقانه‌ای را با جمهوری اسلامی در پیش گرفت و در عین حال که تجمع و تحسن و تظاهرات مکرر را علیه نظام ترتیب داده و دوشادوش مخالفین برانداز به فعالیت مخرب مطبوعاتی دست زده بود، در انتخابات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی و ریاست‌جمهوری شرکت کرد. آنها در انتخابات مجلس توفیقی نداشتند و صلاحیت مسعود رجوی - کاندیدای سازمان - در انتخابات ریاست‌جمهوری رد شد و از اینجا بود که زاویه‌گیری آنها از جمهوری اسلامی روند حادتری یافت. در انتخابات ریاست‌جمهوری،

ابوالحسن بنی صدر بر سایر رقباً پیشی گرفت و اولین رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران شد، ولی در خرداد سال ۱۳۶۰ مورد استیضاح مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و از مقام ریاست جمهوری عزل شد. سازمان مذکور که در طول عمر ریاست جمهوری بنی صدر، همکاری صمیمانه‌ای در کارشکنی‌های او داشت، در پی عزل وی، اعلام مبارزه‌ی مسلحانه نمود و در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به سنگربندی خیابان‌های تهران علیه نظام پرداخت.

این غائله با تلاش همه‌ی نیروهای انقلاب، در همان روز خاتمه یافت و به منزوی شدن سازمان و در نهایت، فرار مسعود رجوی و همراهانش در رکاب بنی صدر به فرانسه انجامید. رجوی و اعضای سازمان پس از چندی به عراق رفتند و از این زمان بود که به استخدام رسمی حزب بعث درآمد جیره‌خواری علنی از صدام حسین را شروع کردند. آنها که از پیش از عزل بنی صدر به ترور رهبران نظام، شهروندان و پاسداران دست می‌زدند، از این پس، بر شدت ترورها افزودند و در کنار همکاری اطلاعاتی با حزب بعث به جنگ علیه ایران مشغول بودند تا اینکه در سال ۱۳۶۷ قطعنامه‌ی ۵۹۸ از سوی ایران پذیرفته شد. سازمان که پایان جنگ را مساوی با پایان آرزوی بازگشت به ایران و حکومت سازمان بر کشور می‌دانست، دست به انتحار زد و با موافقت صدام به تدارک نیرو و ادوات جنگی برای حمله به ایران پرداخت. عملیات معروف مرصاد نقطه‌ی پایانی بود بر خیال‌پردازی‌های مسعود رجوی و سازمان منافقین.

سازمان در سال‌های بعد علاوه بر انجام ترورها (از جمله به شهادت رساندن سپهبد صیاد شیرازی - اسدالله لاجوردی و...) و بمب‌گذاری (از جمله بمب‌گذاری در حرم مطهر امام رضا (ع)) و فعالیت‌های تخریبی رسانه‌ای علیه ایران و همکاری با حزب بعث عراق، به جاسوسی در برنامه‌ی صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نیز دست زده است. این اثر سیر تاریخی شکل‌گیری و فعالیت آن سازمان را با قلمی روان و مستند بررسی کرده است.

ضمن تشکر از زحمات محقق محترم، از تلاش‌های ناظران علمی اثر آقایان دکتر اکبر اشرفی، علی کردی، مصطفی جوان و نیز همکاران محترم در مؤسسه‌ی فرهنگی هنری و انتشارات قدردانی می‌شود.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

## پیشگفتار

تنها گروه سیاسی که بیش از چهار دهه حیات را تجربه نموده و به رغم چالش‌ها، ضعف‌ها و افراط و تفریط‌ها، بر سر مواضع خود که همانا ضدیت با حکومت اسلامی، ولایت فقیه و ارزش‌های جامعه می‌باشد، ایستاده است، نیرو داشته و حمایت نسبی قدرت‌های بین‌المللی را به سمت خود جلب کرده، «سازمان مجاهدین خلق» است که در جهان با عنوان «MKO» شناخته می‌شود. از طرفی، سازمان‌یافته‌ترین، شناخته‌شده‌ترین، خشن‌ترین و بزرگ‌ترین گروه اپوزیسیون خارج از کشور ایران و قوی‌ترین نیروی معارض مسلح محسوب می‌شود که از سال‌های ابتدایی حکومت جمهوری اسلامی تا کنون، بیشترین هزینه‌ها را بر نظام وارد ساخته است. لذا هم به جهت تاریخی و هم شناخت مواضع ضدنظام و ضدارزشی سازمان، بررسی چهار دهه فعالیت آن اهمیت دارد.

سوالی که تعمق درباره آن بسیار اهمیت دارد، این است که نقطه‌ی آغاز انحراف سازمان کجا بود و چرا افراد این سازمان به راحتی حاضر شدند هموطنان خود را به قتل برسانند و با دشمن خارجی که به کشورشان حمله کرده بود، همکاری کنند؟ در واقع، آنچه این روند جدایی از آرمان‌های اسلامی و مکتبی بنیان‌گذاران سازمان را موجب شد، در ایدئولوژی سازمان نهفته بود. این ایدئولوژی ادعای کمال و برتری نسبت به دیگر ایدئولوژی‌ها را داشت و از همین رو، اعضای سازمان به مطلق‌انگاری دچار گردیدند، به گونه‌ای که در این مطلق‌انگاری، هرکسی جز خود را در مسیر باطل می‌دیدند. البته ذکر این نکته لازم است که وجود شخصی مانند مسعود رجوی با داشتن سابقه‌ی همکاری با ساواک در رأس چنین سازمانی، نمی‌تواند سرنوشتی بهتر را برای آن رقم بزند.

از سوی دیگر، با بررسی کتب منتشرشده درباره‌ی سازمان مجاهدین خلق پی برده می‌شود که فقدان کتابی که در عین کامل و جامع بودن، از حیث حجم و محتوا قابل استفاده برای همه‌ی اقشار جامعه باشد، محسوس است.

کتاب موجود درباره‌ی سازمان از چند دسته خارج نیست: «خاطرات» شامل خاطرات اعضای جداشده از سازمان در مقطع اعلام تغییر مواضع ایدئولوژیک و در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی (احمد احمد، عزت‌شاهی (مطهری)، لطف‌الله میثمی و...)، خاطرات اعضای دستگیرشده سازمان که در اصطلاح «تواب» نامیده می‌شوند (خاطرات حسین احمدی‌روحانی، احمدرضا کریمی، «کارنامه‌ی سیاه» (۵ جلد)، «جزئیات شکنجه سه پاسدار شهید کمیته مرکزی انقلاب اسلامی» و...) و نهایتاً خاطرات اعضای جداشده و فراری از اردوگاه اشرف (خاطرات مسعود بنی‌صدر، سعید شاهسوندی، محمدحسین سبحانی، محسن نجات‌حسینی، هادی شمس‌حائری، مهدی خوشحال و...).

تحلیل «تاریخی - توصیفی» که در ضمن بنای بر بیان سیر تاریخی سازمان اما استناداتشان دیده‌ها، شنیده‌ها و مستندات شخصی است (خاطرات تحلیلی محمد مهدی جعفری، احمدی‌روحانی، مسعود بنی‌صدر، لطف‌الله میثمی و سعید شاهسوندی)، تحلیل «تاریخی - سندی» که عملکرد سازمان را بر بنای اسناد و خاطرات اشخاص معتبر یا متواتر بیان می‌دارند (جلد سوم کتاب «نهضت امام خمینی» نوشته‌ی حمید روحانی و خاطرات علی‌اکبر راستگو) و تحلیل «موضوعی» که بدون اصرار بر بیان تمام دوره‌ی عمر سازمان به واکاوی و بررسی یک موضوع خاص در عملکرد یا رفتار سازمان می‌پردازند (اسکولاستیک نوین در فرقه رجوی، اسلام رادیکال مجاهدین خلق، برای قضاوت تاریخ، بررسی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴، کتاب‌های بررسی عملیات «مرصاد» و...). کتاب جامع و ۳ جلدی «سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام» که با استفاده از اسناد و خاطرات ناب نوشته شده است نیز به دلیل حجیم بودن و رویکرد فوق تخصصی مورد استفاده عمومی نداشته و عمدتاً نیاز پژوهشگران و محققان را مرتفع می‌سازد. دست آخر، نشریات سازمان (چون مجاهد، پیام مجاهد و پیام خلق)، کتب آموزشی تدوین‌شده‌ی سازمان و سخنرانی‌های کادر مرکزی دیگر منابع شناخت سازمان خواهند بود.

در نهایت، خاطرات مبارزان و اسناد منتشر یافته؛ گرچه مستقیماً به موضوع سازمان مجاهدین خلق نپرداخته‌اند اما به تناسب، خاطرات، تحلیل‌های توصیفی، تاریخی و موضوعی و اسناد سازمان را مورد بررسی قرار داده‌اند.

\*\*\*

امروز سازمان به بیمار محتضری شباهت دارد که سرنوشتش به سرنوشت بیمار دیگری که اکنون مرگ او حتمی شده است، پیوند خورده است، چنان‌که این روزها با اندک طرفدارانش در جستجوی آن است که در خاک عراق صرفاً به جایی برای استقرار دست یابد.

با این اوصاف، ضعیف شمردن دشمنِ خویش خطاست. پربراه نیست که شناخت سازمان مجاهدین خلق در این روزگار، بسیار با اهمیت تر از شناخت سازمان در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ یا حتی دهه‌ی پرماجرایی ۷۰ باشد.

به عملکرد دشمن در دهه ۹۰ تأملی نو باید نمود:

۱- همسر سرکرده‌ی منافقین، آشوب‌گران در وقایع پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ را پیروان واقعی این گروهک تروریستی نامید و تأکید کرد که اقدامات آنها نشانه‌ی قاطعی است از اینکه «با در پیش گرفتن راه و رسم اشرف» به دنبال براندازی در ایران هستند.

۲- مریم رجوی با پیامی، به دخالت در تجمعات پراکنده ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ و همچنین به همراهی با این افراد برای تقابل با جمهوری اسلامی ایران اعتراف کرده است. در این پیام، آمده است: «پراهمیت‌ترین وجه قیام اول اسفند، دلاوری جوانان بی‌باک بود که با پاسداران چنگ در چنگ شدند و در برخی نقاط در حاکم نبرد تن به تن با آنها بودند.»<sup>۱</sup>

۳- مریم رجوی صراحتاً تأیید کرد که دعوت برای تجمع و آشوب در روز ۱ اسفند ۱۳۸۹ به درخواست این گروهک بوده است.

۴- جمعی از فعالان آشوب که خود را «حقوق‌دانان جنبش سبز» نامیده‌اند، به انتقاد از برخورد نیروهای امنیتی کشور عراق با اعضای گروهک منافقین در پادگان اشرف پرداختند. از سوی این جمع، گروهک منافقین «غیرنظامی» و تحت حمایت سازمان ملل معرفی و تلاش

نیروهای عراقی برای خارج کردن اعضای این گروهک از پادگان اشرف را «جنایت علیه بشریت» و «نسل‌کشی» نامیده شده است!

در پایان این بیانیه از نیروهای اشغالگر آمریکایی خواسته شده تا نسبت به حفظ جان غیرنظامیان ساکن پادگان اشرف واکنش نشان داده و در این مسئله دخالت کنند!<sup>۱</sup>

جامعه‌ی ایرانی در آغاز دهه‌ی ۱۳۹۰، به جز اسناد و مدارک، به متن خواندنی و پرکشش نیز توجه دارد. بر این اساس است که گروه هدف جدید، نگارشی جدید برای تاریخ کشورش را می‌طلبد؛ پرمغز، مستند و البته صریح و بی‌شاخ و برگ اضافی یا متعصب!

اثر پیش‌رو، تلاشی است برای نیل بدین منظور، بنا به بضاعت نویسنده، برگ سبزی است تحفه‌ی درویش.

تقدیم به ولیّ عصر (عج) و به بزرگ پرچم‌دار و موحد عصر حضرت روح‌الله<sup>۲</sup> به امید گوشه‌ی چشمی.

مهدی حق‌بین

تهران - زمستان ۱۳۹۰

۱. شبکه ایران، کد ۴۱۴۷۲۹

۲. اینها که به صورت منافقین پیش آمدند و در میدان مسلمین واقع شده‌اند و می‌خواهند کارشکنی کنند برای اسلام و مسلمین، باید هر چه از آنها پیدا کردند، هر پرونده‌ای که از اینها پیدا کردند این را نشان بدهند تا معلوم بشود که اینها جزو منافقین‌اند و با آنها مبارزه کنند تا معلوم شود، خوب با یک کاسبی که خیلی هم آثار سجده در جیش هست یا یک نویسنده‌ای که از اول که وارد می‌شود «بسم الله الرحمن الرحیم» در کلامش می‌نویسد و بعد هم از جمهوری اسلامی شروع می‌کند ستایش کردن و تمجید کردن، تعریف کردن. لکن از زیر لطمه بر اسلام و آزد می‌شود... راه این است که مطالب اینها و خیانت‌های اینها را هر کس پیدا کرد این را بگوید. (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۲۷ - سخنرانی روز ۱۳۵۸/۹/۲۳)